روزنامه شرق

سیاست

انتخاب در شرایط سخت — صفحه ۸

مجبور نیستیم برای همه کرسی‌های مجلس فهرست بدهیم — صفحه ۸

روزنامه — صفحه ۱۰



عکس: مهدی حسنی، شرق

رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با «شرق»:

فهرست انتخاباتی، شرکت تعاونی نیست

در برابر عملکرد کسانی که به مردم معرفی می‌کنیم، مسوولیت داریم

مهدی قدیمی

در شرایطی که اصلاح‌طلبان با متوقف‌شدن فعالیت احزابشان، امکان کمتری برای سازماندهی تشکیلاتی خود دارند، موضوع انتخابات مجلس دهم آرام‌آرام به یکی از مهم‌ترین بحث‌های همه محافل اصلاح‌طلب تبدیل می‌شود و در این وضعیت، بررسی تجارب گذشته و تهیه راهکاری برای موفقیت در این انتخابات سرنوشت‌ساز، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اصلاح‌طلبانی که ۲۴ خرداد ۹۲، اوج همگرایی و وزن اجتماعی خود را در انتخابات ریاست‌جمهوری، به رخ رقیب کشیدند، در انتخابات شورای شهر نیز در ظاهر پیروز شدند. اما تحولات یک‌سال گذشته نشان داد که تهیه فهرست کاندیداهای موردحمایت اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراها، با دقت انجام نشده و حالا بیم تکرار چنین اشتباهی در هنگامه انتخابات مجلس، نگرانی را در بدنه اجتماعی اصلاحات افزایش داده است. در این بین، رسول منتجب‌نیا، قائم‌مقام حزب اعتمادملی حزبی که فعالیت خود را با جشن غدیر آغاز کرد، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید فقدان احزاب می‌تواند فرصتی برای کنارگذاشتن سهمیه‌بندی فهرست‌های انتخاباتی و انتخاب قابل‌اعتمادترین گزینه‌ها باشد. او معتقد است در تهیه فهرست انتخابات شورای شهر مسامحه صورت گرفته و این اشتباهی است که نباید در انتخابات مجلس دهم تکرار شود.

در حالی‌که بیش از یک‌سال تا برگزاری انتخابات مجلس دهم باقی‌مانده، نگرانی‌ها درباره افرادی که می‌توانند تایید صلاحیت بگیرند و در عین‌حال مطالبات اصلاح‌طلبان را در پارلمان نمایندگی کنند، رو به افزایش است. به نظر شما اصلاح‌طلبان برای موفقیت در این عرصه باید چه راهکاری را در پیش بگیرند؟

در این خصوص چندمطلب باید یادآوری شود که دوستان در سراسر کشور و در تهران بزرگ مدنظر قرار دهند. اولین مطلب این است که قبل از زمان مقتضی، نام‌بردن از افراد یا تهیه‌کردن یک‌فهرست می‌تواند مضر باشد و منشأ بحث و اختلاف شود. تهیه فهرست و معرفی کاندیداها زمان خاص خود را دارد. وقتی که صحبت‌های مقدماتی انجام شده و ائتلاف و اشتراک لازم شکل گرفت، آن زمان می‌شود با همفکری و تبادل‌نظر یک‌فهرست واحد تهیه کرد و همه پای آن را امضا می‌کنند و مهر می‌زنند و فهرست نهایی به مردم معرفی می‌شود. اینکه از الان کسانی به‌عنوان کاندیدا و به‌خصوص سر فهرست معرفی شوند، می‌تواند منشأ اختلاف شود و این مساله اولی است که باید موردتوجه قرار گیرد تا در معرفی افراد عجله نشود.

این روش باعث ازدست‌رفتن فضای بررسی گزینه‌ها و دست‌زدن به انتخاب‌های عجولانه در آستانه انتخابات نمی‌شود؟

اینکه گروه‌ها درون تشکیلات و گروه‌های خود به‌صورت بحث‌های درون‌گروهی، افرادی را بررسی کنند، اشکالی ندارد. اما اینکه این مباحث داخلی در سطح جامعه منعکس و رسانه‌ای شود، می‌تواند افراد را در مقابل هم قرار دهد و موجب نگرانی و دلخوری شود.

از دل همین جلسات داخلی بعضی‌اوقات نتایجی به دست می‌آید که خود را در قالب اظهارنظرها در جامعه ظاهر می‌کند. چگونه باید این بررسی‌ها انجام شود که از همین حالا باعث تفرقه و اختلاف نشود؟

مساله‌ای که باید دوستان ما در نظر داشته باشند و خیلی هم ضروری و مهم است، این است که پیش از بررسی افراد و تلاش برای تهیه فهرست‌ها، باید روی اتحاد و انسجام گروه‌ها تلاش شود. بارها و بارها همه گفته‌اند و بنده هم به اشکال مختلف عرض کرده‌ام که به‌خصوص در این دوره، رمز موفقیت و پیروزی ما اتحاد و انسجام در درون جبهه اصلاحات و حتی اتحاد بین اصلاح‌طلبان و هواداران دولت است. همه باید زیر یک چتر جمع شوند و فهرست واحدی ارایه کنند. اگر فهرست‌ها متعدد باشد، آرا پراکنده می‌شود و آنگاه سرنوشت انتخابات مشخص نخواهد بود. ممکن است برخی از رقبا اصلا به دنبال این باشند که به اختلاف‌نظرها دامن بزنند یا احزاب و گروه‌های مختلف را ترغیب کنند که فهرست‌های مستقل بدهند. اینها به‌نظر من همه شگردهایی است که ممکن است برخی‌ها از جناح رقیب برای اینکه مانع انسجام و اتحاد جبهه اصلاحات شوند و به پیروزی برسند، مورداستفاده قرار دهند. ما نباید فریب این تحرکات را بخوریم و باید انسجام خود را حفظ کنیم. فرض کنید اگر امر دایر شود بین اینکه یک کاندیدا کنار برود یا جناح اصلاحات شکست بخورد، یا به‌عبارت‌دیگر بحث بر سر این باشد که کاندیدای موردنظر ما رای بیاورد یا جبهه اصلاحات پیروز شود، ما باید پیروزی جبهه اصلاحات را مقدم بدانیم. چون اصلاحات که پیروز شود، کل این تفکر و جریان پیروز می‌شود. اما اگر یک یا دونفر پیروز شوند، کاری از دستشان برنمی‌آید. ما باید تلاش کنیم مجلس به جایگاه خودش بازگردد. مجلس باید به جایگاه رفیع خودش بازگردد و برای رسیدن به این هدف باید اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان دست‌به‌دست هم دهند و نمایندگانی را بر کرسی‌های مجلس بنشانند که تفکر اصلاح‌طلبانه و تفکر آقای دکتر روحانی را پذیرفته باشند و به آن عمل کنند.

در شرایطی که احزاب اصلاح‌طلب برای فعالیت با مانع یا محدودیت مواجه هستند و معرفی کاندیداهای رسمی احزاب شناسنامه‌دار به‌راحتی امکان‌پذیر نیست، چه تضمینی وجود دارد افرادی که توسط یک مجموعه به نام اصلاح‌طلبان معرفی می‌شوند، به وعده‌های همین طیف اصلاح‌طلب پایبند باشند؟

با توجه به دومواردی که عرض کردم، یعنی اولا عجله‌نکردن در اعلام اسامی و دوما اصرار بر اولویت اتحاد و انسجام جبهه‌ای به نام افراد و خواسته‌های شخصی و گروهی که بزرگان اصلاح‌طلب و اعتدالی همه بر آنها اتفاق‌نظر دارند و امیدواریم که زیرمجموعه‌ها هم همین‌طور باشند تا خدای‌ناکرده احساسات بر آنها غلبه نکند و فریب رقیب، آنها را به انحراف نکشد، مساله سوم مطرح می‌شود. مساله سوم این است که وقتی اتحاد اصلاح‌طلبان شکل گرفت و هواداران دولت نیز به آن پیوستند، آن‌وقت باید روی کاندیداها و افرادی که مطرح هستند، فکر کنند. چون درنهایت باید افرادی انتخاب شوند و برای انجام‌وظیفه در مجلس معرفی شوند که مثلا دنبال منفعت‌طلبی نباشند. اگر فردی که می‌خواهد از این موقعیت سوءاستفاده کند یا فردی که توان انجام وظایف نمایندگی را ندارد، به‌عنوان کاندیدا از طرف اصلاح‌طلبان معرفی شود، این در واقع یک اشتباه بزرگ است. اگر اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان کسانی را معرفی کنند که در مجلس به این‌طرف و آن‌طرف تغییر مسیر دهند یا از مسیر اصلاح‌طلبی و اعتدال منحرف شوند، گروه‌هایی که آنها را به مردم معرفی کرده‌اند، مسوول هستند و باید پاسخگو باشند. وقتی مردم به ما اعتماد می‌کنند و به کاندیداهای ما رای دادند، ما هم باید امانتدار باشیم و ثابت کنیم که وقتی مردم ما را طرف مشورت خود قرار داده‌اند، در دادن مشورت درست به مردم و پذیرفتن نتیجه کاری که از مردم خواسته‌ایم انجام دهند، احساس مسوولیت داریم و سلامت مشاوره را در نظر داشته باشیم. بنابراین باید در معرفی افراد دقت شود تا افرادی که قدرت و شایستگی دارند و شخصیت آنها مورد اعتماد است، معرفی شوند تا در مجلس بتوانند خدمت به مردم و نظام را با گرایش و تفکر اصلاح‌طلبانه پیش ببرند. اینجا جایی است که باید دقت شود و از افرادی که متلون و مذبذب هستند یا افرادی که سوابق خوبی در راستای ایستادگی پای تعهدات خود ندارند و کسانی که به‌قول معروف «هرلحظه به رنگی بت‌عیار درآید» هستند، پرهیز کنیم. چون اینها یک‌روز با این طرف هستند و فردا با آن طرف و در نهایت هرطرف باد بیاید به همان طرف می‌روند. چه‌بسا که اینگونه افراد را بتوان با پول یا وعده‌های دیگر فریب داد و به این‌طرف و آن‌طرف کشاند.

یکی از مشکلات در نهایی‌کردن فهرست شورای شهر، این بود که مسوول تهیه فهرست به من گفت ما باید از هرحزبی یک یا دونفر در فهرست خود بگذاریم. این تعلق‌خاطر و وامداربودن نسبت به احزاب، دست ستاد را بسته بود. اینگونه بود که برخی از افراد وارد فهرست شدند و بعد نقض‌عهد کردند. اینها اتفاقا کاندیدای مشخص برخی از احزاب بودند که مثلا قرار بود نماینده تفکر آن حزب در فهرست اصلاح‌طلبان باشند. اما عدم اعتماد خود را به اصلاح‌طلبان از دست نمی‌دهند؟

لازم است نکته‌ای را اینجا مطرح کنم؛ اینکه علی‌القاعده احزاب قدرتمند وقتی وجود داشته باشند، می‌توانند با بسط ید و دایره اثرگذاری بیشتر کار و مسوولانه‌تر هم برخورد کنند. الحمدلله در بین اصلاح‌طلبان چهره‌های فعال و متعهد و باتجربه زیادی داریم که همه‌گونه تجربه سیاسی را دارند و در انتخابات‌های مختلف و جایگاه‌های گوناگون حضور داشته‌اند و امروز می‌توانند در ستادها، افراد را بررسی کنند. این افراد می‌توانند درباره پایبندی چهره‌هایی که برای کاندیداتوری مطرح هستند، نسبت به تفکر و استقامت و سوابق این افراد کار کنند. ولی وقتی احزاب ما در این شرایط هستند، اینگونه مشکلات رخ می‌دهد. البته الان غیبت احزاب در کنار همه مشکلاتی که به وجود می‌آورد، یک فرصت هم ایجاد می‌کند؛ به این معنا که وقتی حزب فعال وجود ندارد، برای انتخاب کاندیداهای نهایی، ستادها وامدار احزاب نیستند که مثلا بخواهند به یک حزب سهمیه بدهند و با گزینه او موافقت کنند. یکی از مشکلات در نهایی‌کردن فهرست شورای شهر، این بود که مسوول تهیه فهرست به من گفت ما باید از هرحزبی یک یا دونفر در فهرست خود بگذاریم. این تعلق‌خاطر و وامداربودن نسبت به احزاب، دست ستاد را بسته بود. اینگونه بود که برخی از افراد وارد فهرست شدند و بعد نقض‌عهد کردند. اینها برخی‌هایشان کاندیدای مستقل نبودند و اتفاقا کاندیدای مشخص برخی از احزاب بودند که مثلا قرار بود نماینده تفکر آن حزب در فهرست اصلاح‌طلبان باشند. اما بعد از انتخاب‌شدن به حزب خودشان پشت کردند. البته آن حزب مربوطه هم عکس‌العمل نشان داد اما چه‌بسا در این شرایط فقدان احزاب، خود افراد باتجربه و بصیر بهتر بتوانند دست به انتخاب کاندیداها بزنند تا وقتی که فهرست منتشر شد، بگوییم این فهرست مجموعه اصلاح‌طلب‌ها و اعتدالگراهاست، نه فهرست این حزب و آن گروه. در این شرایط قطعا مردم هم دوباره اعتماد می‌کنند و این اعتمادشان هم به‌حق است و انشاءالله که ما هم بتوانیم امانتدار خوبی برای این اعتماد مردم باشیم.

معمولا وقتی همه جمع می‌شوند تا یک فهرست تهیه کنند، گروه‌های مختلف، افراد مورد نظر خود را مطرح می‌کنند و در نهایت، همه باید مسوولیت عملکرد همه فهرست را برعهده بگیرند. اینجا کار مشکل می‌شود؛ یعنی وقتی یک‌نفر عهدشکنی کرد، همه می‌گویند این فرد عضو فلان تشکل بوده و بقیه خود را مسوول نمی‌دانند. آیا الان این طرز فکر وجود دارد که همه در برابر رفتار تک‌تک کاندیداهایی که معرفی می‌شوند، مسوولیت دارند؟

این حرف‌های غلط باید کنار برود که ما می‌خواهیم به این‌وآن باج دهیم و بنابراین یک شرکت تعاونی درست کنیم که در آن از هرحزب و گروهی یک نفر بیاوریم و در نهایت یک آش شله‌قلمکاری درست کنیم که سرنوشتش هم نامعلوم باشد. ما باید احزاب درون جبهه اصلاحات را قانع کنیم تا افرادی که موردتایید هستند، معرفی شوند و الزامی نیست حتما همه گروه‌ها در فهرست نماینده داشته باشند و همه باید از فهرستی که مورداعتماد و قابل‌اتکاست، حمایت کنند. مهم این است که مجموعه‌ای معرفی شود که بتوانند در مجلس کار مفید و محکم انجام دهند.

مساله دیگری که در انتخابات شورای شهر مطرح می‌شد، این بود که کاندیداهای ما را ردصلاحیت کرده‌اند و مجبوریم برای پرشدن فهرست از افرادی که اصلاح‌طلب نیستند هم استفاده کنیم. جدا از درست یا غلط‌بودن نحوه انتخاب گزینه‌های جایگزین، آیا برای جلوگیری از این آسیب در انتخابات مجلس هم تدبیری اندیشیده می‌شود.

ما رقابت سنگینی در پیش داریم. در این فضا، باید افرادی را معرفی کنیم که امید رای‌آوری و ضریب اطمینان بالاتری داشته و ریسک کمتری داشته باشند. ما نمی‌توانیم به‌صرف اینکه یک‌فرد، انسان خوبی است یا کفایت و لیاقت دارد، او را در فهرست قرار دهیم و کاری به میزان رایی که مردم به او می‌دهند، نداشته باشیم. ما باید افرادی را معرفی کنیم که ضمن داشتن مشخصه‌هایی که گفته شد، هم شانس رای‌آوری بیشتری داشته باشند و هم حساسیت‌های بی‌مورد روی آنها کمتر باشد. ما باید افرادی را معرفی کنیم که هم حساسیت روی آنها کم باشد، هم لیاقت و شایستگی داشته باشند و هم مردم به آنها رای دهند و اقبال آنها در جامعه بیشتر باشد.

یکی از راه‌ها هم این است که به اندازه دوبابسه‌برابر ظرفیت یک فهرست، افرادی را در نظر داشته باشید که برای جایگزین‌کردن به مشکل نخورید. برای این کار هم روش و سازوکاری اندیشیده شده است؟

وقتی ستادی تشکیل می‌شود، قطعا از افراد مجرب و توانایی در تشکیل این ستاد بهره گرفته خواهد شد. برای تهیه فهرست‌های انتخاباتی باید در مورد اینها تدبیر و بررسی شود و لایه‌های مختلف شرایط پیش‌رو با دقت موردتوجه قرار گیرد که قطعا این کارها انجام خواهد شد. ممکن است شگردهای مختلفی هم برای عبور از این موانع و مشکلات اندیشیده شود که در جای خود بررسی می‌شود و در زمان لازم، حتما یادآوری‌های لازم انجام خواهد شد. دوستان ما تجربه دارند و باید تلاش کرد نیروهای خوب ما به‌گونه‌ای از فیلتر تایید صلاحیت عبور کنند و بتوانند رای بیاورند. بعد از جمع‌کردن همه شرایط و امکانات و بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته، انشاءالله فهرست خوبی تهیه خواهد شد تا مجلس دهم را به مجلسی تبدیل کنیم.

دریچه

پیشگیری از سندرم «راستگو»

مرجان توحیدی*

انتخابات هیات‌رییسه شورای شهر چهارم با پیروزی اصولگرایان به پایان رسید اما بحث‌های زیادی درباره نوع عملکرد اصلاح‌طلبان شورای شهر ایجاد کرد. پیروزی در حالی نصیب اصولگرایان شد که اصلاح‌طلبان شورای شهر سال قبل از آن توانسته بودند کرسی ریاست و هیات‌رییسه را از آن خود کنند. چنین انتظار می‌رفت شهرداری تهران هم با مدد اصلاح‌طلبان بتواند از میان گزینه‌های اصلاح‌طلب انتخاب شود. اما این موضوع محقق نشد و از آن زمان بود که نام الهه راستگو بر سر زبان‌ها افتاد. او که با فهرست اصلاح‌طلبان توانسته بود وارد شورای شهر شود، در انتخابات مربوط به شهرداری به گزینه اصولگرا رای داد. بعد از این حرکت، فعالان سیاسی از رفتار دوگانه و غیرتشکیلاتی الهه راستگو انتقاد کردند. هرچند او بعد از آن خود را مستقل معرفی کرد و با این توجیه خود را از همه نقدها مبرا دانست، اما واقعیت این است که بروز چنین رفتارهایی به‌دلیل فقدان کار تشکیلاتی و حزبی در ایران رخ می‌دهد.

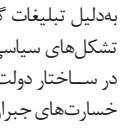
طبیعتا یکی از الزامات فعالیت حزبی، پذیرفتن مرامنامه‌ها و اساسنامه‌ها و نیز خط‌مشی حزب از سوی اعضاست. از افرادی که وارد فهرست‌های انتخاباتی می‌شوند، توقع می‌رود خود را پایبند به تقیدهای تشکیلاتی کنند. این البته همان حلقه مفقوده در فعالیت‌های سیاسی ایران است که عمدتا قائم به شخص صورت می‌گیرد و تعهد حزبی و کار تشکیلاتی در آن، موردتوجه قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر هم قرار است کار تشکیلاتی صورت گیرد، آن تشکیلات معمولا زیر سایه نفراول حزب که معمولا از چهره‌های شناخته‌شده است، انجام می‌پذیرد. به همین دلیل، در انتخابات ایران معمولا چهره‌ها حرف اول را می‌زنند و کم پیش می‌آید که فهرست‌ها برگ‌برنده را در اختیار داشته باشند. در این شرایط، معمولا «ترکیبی از فهرست‌های انتخاباتی» پیروز میدان می‌شود و یک فهرست به تنهایی نتیجه انتخابات را از آن خود نمی‌کند. آنچه در جریان انتخابات مربوط به شورای شهر چهارم تهران هم رخ داد، تقریبا مشابه همین بود؛ برندگان، ترکیبی از فهرست اصولگرایان و اصلاح‌طلبان بودند.

با این حال و با همه نقدهایی که به کار تشکیلاتی در ایران وارد است، انتظار می‌رفت تا هرنماینده‌ای از هرفهرستی که وارد شورا می‌شود، به تعهدات فهرست در برهه‌های انتخاباتی وفاداری نشان دهد. اما از آنجا که فرصت انتخابات ریاست‌جمهوری، زمان را برای تهیه فهرست برای شوراها تنگ کرده بود و البته به دلیل شناسایی‌نشدن نامزدهای مناسب برای شورای شهر، افرادی در فهرست انتخاباتی اصلاح‌طلبان قرار گرفتند که برخی از آنها تناسبی با اصلاح‌طلبی نداشتند. در شرایط فعلی که زمان زیادی تا نهایی‌کردن فهرست برای انتخابات مجلس دهم باقی مانده، انتظار این است اصلاح‌طلبان از اشتباه و شکست پند بگیرند و در عین تقویت کار تشکیلاتی و حفظ انسجام خود، از فرصت برای مطالعه در مورد گزینه‌های محتمل نامزدی در انتخابات مجلس استفاده کنند تا بار دیگر در تله منفعت‌طلبان گرفتار نشوند.

*روزنامه‌نگار

یادداشت

احزاب و انتخابات



یدالله طاهرنژاد
عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران

امروزه فعالیت سیاسی در جهان توسعه‌یافته و در حال توسعه جز در قالب احزاب و سازوکارهای حزبی رسم و راه دیگری نیافته است و هر جریان سیاسی که بخواهد فعالیت کند، باید در قالب تشکلی که حزب یا شبه‌حزب باشد رسمیت یافته و سپس شروع به فعالیت کند. نظر به میزان توسعه‌یافتگی جوامع از نظر اجتماعی و سیاسی، گستره شمول فعالیت احزاب زیاد یا کم است، ولی در هر صورت فعالیت رسمی و قانونمند در قالب حزب یا تشکل‌های شبه‌حزبی دیگر سامان می‌یابد. در ایران بعد از انقلاب اسلامی نیز بلافاصله پس از پیروزی، این مهم ضروری تشخیص داده شد و پس از کسب نظر حضرت امام و با کمک مالی معظم‌له، حزب جمهوری اسلامی اعلام موجودیت کرد و در زمان کوتاهی موفق شد تشکیلات گسترده‌ای پایه‌گذاری کرده و تعداد کثیری از عناصر سیاسی و انقلابی علاقه‌مند به فعالیت حزبی را به عضویت پذیرفت. متاسفانه با شروع جنگ و تشدید فعالیت گروه‌های ضدانقلاب و ضرورت ایجاد وحدت در بین انقلابیون و بیم تفرقه که احتمال می‌رفت در جریان فعالیت حزبی رخ نماید، باز هم با نظر امام راحل فتیله فعالیت حزب جمهوری اسلامی پایین کشیده شد و از همان‌جا خلأ حزب در ساختار سیاسی ایران خودنمایی کرد و تا امروز متاسفانه نه افکار عمومی به‌دلیل تبلیغات گسترده رسانه‌های جمعی علیه فعالیت‌های حزبی و تشکل‌های سیاسی و نه مسوولان بلندپایه کشور پذیرای نقش احزاب در ساختار دولت و مجلس نبوده و نیستند که در نتیجه این رویکرد خسارت‌های جبران‌ناپذیری متوجه منافع ملت و کیان کشور شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تمامی ارکان قدرت در نظام را متکی به آرای مردم می‌داند اما آرای مردم که در انتخابات تجلی می‌یابد



و انتخابات اصولا یک فرآیند حزبی است در کشور ما نتوانسته جایگاه و نقش حزب را در پویایی خود تبیین کند، در نتیجه در آستانه هر انتخاباتی جریان‌های بی‌ریشه و خلق‌الساعه با جوسازی و حرکت‌های پوپولیستی افکار عمومی را متوجه خود کرده و بخشی از کرسی‌های مجلس و حتی بعضا ریاست‌جمهوری را در اختیار می‌گیرند و پس از به قدرت رسیدن به‌کلی از وعده‌ها و شعارهای داده‌شده فاصله گرفته و بر اساس سلایق، علایق و منافع شخصی و جناحی کشور را مدیریت می‌کنند. همچنین بعد از اتمام دوره مدیریت هیچ تشکیلات پاسخگویی وجود ندارد که افکار عمومی را نسبت به رخدادهای زمان مسوولیتشان توجیه کند، لذا شاهد سوءمدیریت، سوءاستفاده، حیف و میل و بعضا اختلال در دستگاه‌های مختلف هستیم که مخاطب آن حضور سازمانی ندارد تا درباره این اتفاقات پاسخگو باشد، در نتیجه کشور با زیان‌های جبران‌ناپذیری مواجه می‌شود. در صورتی که احزاب موظفند در قالب برنامه و دفاع از برنامه‌های خود افکار عمومی را متقاعد کرده و آرای آنان را اخذ کنند و در صورت عدم موفقیت در اجرای برنامه‌ها و وعده‌های داده شده حزب نمی‌تواند مجددا مورد اقبال و اعتماد مردم قرار گیرد و البته در قبال عملکرد خود نیز پاسخگو است.

از آفات دیگری که جامعه سیاسی ایران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، این است که بعضی از افراد فرصت‌طلب با تغییرات تاکتیکی در مواضع و رفتار سیاسی خود با بعضی جریانات سیاسی همراه می‌شوند و در بزنگاه‌های سیاسی خوی کاسبکارانه آنها شکوفا می‌شود و همه امیال و آرزوهای حزبی همراهان خود را به حراج می‌گذارند، اگرچه این رفتار هزینه‌های سنگین سیاسی و حیثیتی دارد، ولی به‌دلیل عدم آموزش‌های صحیح حزبی و عدم توجه لازم به پیشینه افراد بعضا چنین ضایعاتی نیز ایجاد می‌شود که اعتماد مردم را از فعالان حزبی و فعالیت حزبی سلب می‌کند. امید است با توجه به شرایط کشور ما و قانون اساسی مترقی آن که اداره امور کشور را متکی به آرای عموم می‌داند و در نتیجه انتخابات نقش مهمی در استقرار ارکان نظام دارد، احزاب ریشه‌دار با ساختارهای مناسب و اعضای مطمئن و مجرب می‌توانند در عرصه انتخابات نقش‌آفرینی کنند و کیفیت انتخابات را ارتقا بخشند. در این حالت عناصر باتجربه و امتحان داده که تحت آموزش‌های ویژه‌ای نیز قرار گرفته‌اند، می‌توانند در مدیریت کشور سهیم شوند و در قبال عملکرد خود و سازمان حزب پاسخگو باشند. نظر به برخی رفتارهای نمایندگان مجلس و اعضای دولت در سال‌های اخیر، شاید تنها راه برون‌رفت از پیامدهای این رفتارها تأسی به رفتارهای حزبی باشد تا در قالب مسوولیت جمعی هزینه نظارت بر دستگاه‌های مختلف کاهش یابد و احزاب نقش عمده نظارت بر رفتار و عملکرد اعضای خود را به عهده گیرند، لذا از این رهگذر می‌توانیم فسادی که امروز دامن‌گیر برخی دستگاه‌های کشور شده را مهار و به‌تدریج از میان برداریم، مجلس آینده می‌تواند شروع خوبی برای امتحان این عرصه باشد.